

26 words per day

Day 33

Word	Meaning
A bsorb	جذب کردن، جذب شدن، در آشامیدن
B ay	خلیج کوچک، کهیر، سرخ مایل به قرمز
C alculate	حساب کردن، برآورد کردن
D ecorate	آذین کردن، پیراستن، آرایش دادن
E mbarrass	دستپاچه کردن، برآشتن، شرمسار شدن
F aint	ضعف، ضعیف، کم نور، غش کردن
G ambling	قماربازی، قمار
H airdresser	آرایشگر مو، سلمانی مرد و زن
I mmEDIATE	بی‌درنگ، فوری، بلافاصله، ضروری
J	
K	
L end	قرض دادن، وام دادن، عاریه دادن
M eanwhile	ضمناً، در ضمن، در خلال
N oticeable	قابل توجه، قابل ملاحظه، برجسته
O urselves	مال ما، خودمان
P alace	کاخ، کوشک، قصر
Q	
R eform	بهسازی، اصلاحات، بهسازی کردن
S ecurity	ایمنی، امنیت، آسایش، وثیقه
T herefore	بنابراین، از اینرو، برای آن، سپس
U nderstand	فهمیدن، ملتفت شدن، درک کردن
V aluable	بازارزش، گرانبها، قیمتی، نفیس
W est	غرب، مغرب، مغرب زمین، باختر
X	
Y	
Z	